

□ صنایع دستی، برداشتی ویژه از هستی و آفرینش

□ ذابح

از نمونه‌های بازمانده بر روی زمین آنچه از دل خاک بیرون کشیده شده و اینک زیب موزه‌ها و گنجینه‌های آثار هنریست، نیک پیدا است که از روزگاران بس کهن، مردمی که در سرزمین ایران زندگی می‌گذرانند، زندگیشان همواره با زیبایی دوستی و هنرخواهی همراه بوده و این شیوه‌پسندیده را از راه‌های گوناگون آشکاری ساخته‌اند.

دوستاری زیبایی و مهرورزی به زیبایی‌های جهان و دل‌بستگی به آشکار کردن این زیبایی‌ها، پیوسته در میان ایرانیان، موضوع اصلی هنرها و ساخته‌های دستی آنان بوده است و فرآورده‌های اندیشه زاینده و ذوق پرورده شده آنان بیاری دست‌ها و انگشتان هنر آفرینشان، شکلهای و طرحها و نقشهای چشم نواز و شگفت انگیز بر جای نهاده است که هم اکنون هر تکه‌ای از آنها بعنوان نمونه‌ای از اندیشه و ذوق و قریحه آدمی در گنجینه‌ها و مجموعه‌ها و موزه‌های بنام، نگاهداری یا نمایش گذاشته شده و با ستایشها و آفرینها رو بروست.

بی گمان، این نمونه‌های والای هنری، خوب خود، ناگهانی و یکباره، پدیدار نگردیده و باید سرچشمه و ریشه‌های پیدایش آنها را از زمانهای بسیار دور در گونه‌ای برداشت ویژه از هستی و آفرینش

و جهان بینی و فرهنگ بسیار کهن همراه با استعداد سرشار و نبوغ این مردم جستجو کرد.

عشق به زیبایی در تمام دوره‌ها موضوع اصلی صنایع مردم این سرزمین بوده است چنانکه دستهای هنرمند آنها همواره جمال طبیعت و زیباییهای طبیعی را بصورت طرحها و نقاشیها بر کاشیها و فرشها و صفحات کتابها منعکس ساخته است. با نظری بصنایع و تاریخ صنعت در ایران مشاهده می‌گردد که اغلب صنایع این مردم جنبه عملی و انتفاعی داشته است و جزو هنرهای صناعی محسوب می‌شود و در نظر هنرمندان ایرانی میان هنرهای زیبای محض و هنرهای صناعی کمترین تفاوتی وجود نداشته و از این نظر و با وضعی که آثار هنرهای صناعی در ایران داشته است. یعنی هم مفید فایده‌ای بود و هم جنبه هنری و زیبایی در آنها رعایت گردیده است نمی‌توان آنها را کم اهمیت شمرد و یا خارج از حیطه هنر دانست زیرا این قبیل اشیا و آثار در ضمن آنکه احتیاجات مادی روزمره را مرتفع می‌ساخته اند چشم و ذوق صاحبانشان را نیز برای درک و فهم زیبایی پرورش می‌داده‌اند. خوشبختانه هنوز آن مهارت و ذوق صنعتی که برای ایجاد آثار هنری عالی لازم است در میان مردم این کشور، از میان نرفته است و در صورتیکه وسائلی برانگیخته شود که در تربیت استادان ماهر موثر افتد و ضمناً خواستاران باعلاقه‌ای برای خرید چنان آثاری پدیدار آیند باز بدون شک نهال ذوق ایرانی شروع به برآوردن غنچه و گل کرده و بادست هنرمندان آثاری بیار خواهد آورد که بتواند در برابر مصنوعات ماشینی کارخانه‌های غرب مقاومت کرده شخصیت هنری خود را باز یابد.

میراث‌های فرهنگی و هنری در هر کشور نماینده شیوه زندگی بینش‌های مردم آن کشور است و نمی‌تواند متأثر از این عوامل نباشد، کما اینکه بررسی هنرهای سنتی ایران که از جمله میراث‌های ارزشمند فرهنگی، هنری و تاریخی است این حقیقت را به خوبی گواهی می‌کند و در هر یک از فرآورده‌های دست ساخت می‌توان ویژگیهای بومی و منطقه‌ای محل تولید و خصوصیات روحی و اخلاقی تولیدکنندگان را شناخت. بطور مثال سوزن دوزی‌های بلوچستان، کرمان، استان هرمزگان گسترده‌یتی از برد باری و صبر مردم آن شهر را به نمایش می‌گذارد و سرامیک و سفال همدان شوخ نظری و دقت نظر مردم گوشه‌یی دیگر از خاکمان را بیان می‌دارد. بنابراین به این هنرهای بیشتر از هر چیزی بایست از دیدگاه یک منتقل کننده فرهنگ و هنر نگریست و آنرا وسیله‌ای برای مطالعه در زمینه مردم شناسی منطقه‌ای به حساب آورد و بایست به پاس این ارزشهای والا این هنرهای سنتی را در باییم و از زوال آن جلوگیری بعمل آورده و در راه احیای آن بکوشیم.

امروزه در کشور ما با آنکه کارگاههای هنری سابق از شکوه و فعالیت پیشین خود افتاده‌اند و دیگر کالاهای آنها رونق بازار سابق را ندارد، معیناً هنوز در گوشه و کنار شهرهای لیران استادانی یافت می‌شوند که با کمال صبر و مهارت و هنروری و فعالیت هنری خود ادامه می‌دهند ولی متأسفانه چون حمایت و تشویقی نمی‌بینند و وسائل کار مدرن و کارگاههای مجهز در دسترس ندارند و کالایشان بعلت عدم عرضه خریداری پیدانمی‌کند بناچار در برابر حمله روز افزون صنایع ماشینی ارزان و فراوان تاب مقاومت نیآورده شکست می‌خورند و روز بروز از تعدادشان کاسته شده راه دیار عدم را در پیش می‌گیرند.

هنرهای ملی در سرزمین ما دارای ریشه‌های کهن می‌باشند و خوشبختانه بعلت خصوصیتی که

دارند قابل همه نوع تکامل و پیشرفت و تطوّر نیز هستند و امکان تبدیل و تطبیق با وضع زندگی امروزی هم بنحو احسن دارامی باشند. ولی متأسفانه هنرمندان ایرانی با وجود دارا بودن روحیه خلاقیت و آفرینش هنری قوی، بسوی تقلید بسیار سطحی هنر معاصر غربی که تا حد زیادی برای مردم این کشور غیر قابل ادراک است و تقلید سرسری از آن جز کج سلیقه‌گی و گمراهی و سرگردانی نتیجه‌ای بیار نخواهد آورد، کشیده می‌شوند. بخصوص که این میل و کشش، حقیقی و عمیقانه نبوده و نمی‌تواند باشد و بیشتر جنبه تظاهر را دارا می‌باشد که بالنتیجه باعث بروز اغتشاشات و درهم ریختگی در عالم هنر گردیده، راه و هدف درمیانه گم گشته و شدیداً ایجاد سرگردانی ابتذال می‌نماید که بدون شک در آینده ضرر آن متوجه هنرهای سنتی این سرزمین و این مدم خواهد گردید.

چندان لازم به یادآوری نیست که در گذشته در اکثر مواقع سطح هنر و هنردوستی در کشور ما از همه جا بالا نریده است و افتخاراتی که امروز در این زمینه نصیب ما مردم است نتیجه هوش و ذوق و استعداد و پشتکار و مهارت نیاگانمان می‌باشد و جای افسوس است که هنرمندان نورسیده ما بجای آنکه مکتب هنرنویز ایران را بر روی پایه‌های هنرهای سنتی استوار داشته‌پیش بروند بی‌محابا با چنان سابقه متین و مشعشعی قطع رابطه کرده‌اند و دنبال این و آن می‌افتند و جز تقلیدهای سطحی و کورکورانه محصولی از فکر و ذوق خود عرضه نمی‌دارند. با چنین خطرها و آشفته‌گی‌های کنونی باید دید که در زمینه حفظ و حمایت این هنرها و راهنمایی هنرنویز بر اساس پایه‌های هنرهای اصیل سنتی چه باید کرد و چه راهی را در پیش گرفت و اولاً با کمال دلسوزی آنچه از هنرهای سنتی در عمل باقی مانده و هنوز بطور ضعیف ادامه دارد حفظ و نگهداری و تقویت گردند و با حمایت و تشویق و ترغیب هنرمندان و گردآوری استادان زبردست و تربیت شاگردان در زبردست آنها از فراموشی و از بین رفتن رشته‌های گوناگون آن جلوگیری بعمل آید.

۲- هنرها و صنایعی که در دوسه قرن اخیر بعلل گوناگون مخصوصاً بعلت روبروشدن با ماشینیسم و مصنوعات و محصولات خارجی از رونق افتاده‌اند و رفته رفته فراموش شده احیا و تجدید گردد.

۳- هنرهائی که بعلت توجه مردم و یاد دولت تجدید و تقویت گردیده‌اند با طرح نقشه‌ها و مطالعات دقیقی با احتیاجات مادی و ذوقی مردم تطبیق داده شوند تا بتوانند بر اثر سودی که از فروش آنها عاید هنرمند و کارگاه‌های هنری می‌گردد بقا و دوام اقتصادی داشته‌باشد.

۴- اعطای وام و کمک‌های اقتصادی و مالی به هنرمندان و وارد کردن اسباب آلات فنی با ارزانه‌ترین قیمت و فروش قسطی آنها به کارگاه‌های هنری.

۵- مدرنیزه کردن ابزار و آلات کار و مجهز کردن کارگاه‌های هنری کشور، بطوریکه بتوانند با استفاده از تجربیات علمی و فنی عصر جدید در راه تکامل و ترقی افتاده و محصولات بیشتر و بهتری را تهیه و عرضه بدارند.

۶- ایجاد بازارهای فروش داخلی و خارجی جهت آثار و محصولات کارگاهها و تهیه غرفه‌های مخصوص معرفی آثار در کلیه نمایندگانی‌های سیاسی و ترغیب و تشویق مردم جهت خرید و استفاده از آنها

۷- تعلیم قسمتهائی از هنرهای سنتی در دبیرستانها و فراهم آوردن وسائل تعلیم و تدریس عملی آنها در هنرستانهای اختصاصی و ایجاد کارگاههای نمونه تحت نظر استادان فن.

۸- اعزام هیئت‌هایی بکشورهای آسیائی و اروپائی جهت مطالعه در موارد مشابه حمایت هنرهای سنتی و طریقه تکامل و توسعه آنها و اطلاع دقیق و نزدیک از نحوه کار و فعالیت کشورهای مزبور بطوریکه بتوان از تجربیات آنها در زمینه‌های مشابه بنحوا حسن استفاده نمود.

۹- تدریس تاریخ هنر و صنایع ایران در دبیرستانها تا بدینوسیله دانش آموزان از این قسمت تاریخ کشور خود آگاهی یافته و ذوق و استعداد آنها پرورش یابد و ضمن شناسائی هنر و هنرمندان کشور خود بتوانند در این رشته ها وارد شده استعدادها را نهفته خود را بظهور برسانند.

۱۰- یکی دیگر از اقدامات موثر در این زمینه تأسیس و ایجاد موزه‌های هنری است زیرا پر واضح است که یکی از پایه‌های مهم و اساسی احیاء و ترویج هنرهای ملی و ادامه سیر ترقی و پیشرفت در آن، معرفت بکارهای صنعتی و آثار هنری گذشتگان است، مشاهده جلال و شکوه هنری ایران نه تنها قلب هر ایرانی را شاد و خرسند می‌سازد بلکه او را در ادامه و تعقیب آن علاقمند و سهیم می‌سازد بنا بر این از طریق مستقیم تربیت فکر و ذوق مردم و ترویج هنرهای سنتی ایجاد موزه‌های مختلف است که مردم بخصوص جوانان ما بتوانند در آنجا آثار و بقایای ادوار گذشته و ثمره دسترنج نیاکانشان را از نزدیک مشاهده نمایند و با آنها انس بگیرند و با افتتاح این قبیل موزه‌ها در سراسر کشور که در حقیقت هر یک دانشگاه و هنرکده‌ای می‌باشد فرصت مناسبی بدست می‌آید که صاحبان اصلی این آثار نیز مانند دیگران در قدم اول به عظمت و تنوع و ظرافت صنعتی و هنر خود پی ببرند و در ثانی در راه تحقیق و تتبع هر یک از رشت‌های آن بیفتند و اطلاعات تازه‌تری در باره آنها بدست آورند.

با ایجاد موزه‌های هنری، هنرمندان ما خواهند توانست در اوقات فراغت با دیدن و تماشاى آثار هنری گذشتگان از آنها در راهیکه در پیش دارند الهام بگیرند تا بتوانند گنجینه‌های تازه‌ای از هنرهای زیبا بوجود آورند. دستیابی به هدف فوق وظیفه‌ای است که بر عهده همگان قرار می‌گیرد.

یکی از طرق آن را می‌توان بازگرداندن آثار فرهنگی و هنری ایران به کشور دانست که طی زمانهای گذشته بنحوی از انحای اذاریبی هنری این کشور خارج شده اند در حال حاضر میتوان وضع هنری ایران را به کاشی بزرگی تشبیه کرد که قطعه‌های مختلف آن پراکنده شده و هر کدام بگوشه‌ای افتاده و بدست کسی رسیده و بالنتیجه اصالت و زیبایی مجموعه آن از نظرها مخفی مانده است و اکنون هنگام آن رسیده است که تمام این قطعات پراکنده با سرعت و دقت و علاقه تمام گردآوری شود و در موزه‌ها بمعرض نمایش گذاشته گردد تا مجموعه کاملی از صنایع و هنر ایران بدست آید. بدون شک هنگامیکه این گونه آثار جمع‌آوری شده بطریق علمی و فنی در موزه‌ها قرار گرفته در آن حال نمونه بزرگی از خدمت مردمی با استعداد بعالم تمدن و فرهنگ آشکار خواهد شد و چنین مکانهایی قبله و مرکز علاقه علمی و هنری عده بیشماری از دانشمندان و هنرشناسان و دانشجویان و جهانگردان و عموم مردم خواهد گردید. بیائید تا کوششی داشته باشیم در جهت حفظ این هنرهای سنتی و کوشا باشیم به همانگونه که پدرانمان این میراث‌ها را برای مانگه داشته‌اند و به یاد گار نهاده‌اند ما نیز برای آیندگان خویش بیاد گار نهیم. انشاء الله.